



## جایگاه مصلحت اجتماعی در نظریه ولایت فقیه

لیلا صمدزاده خامنه<sup>۱</sup>  
ابراهیم یاقوتی<sup>\*۲</sup>  
سیدابوالقاسم نقیبی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۱۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

### چکیده

مصلحت نقش اساسی در تشریح احکام داشته و احکام شرعی بر مبنای مصالح و مفاسد تشریح شده است. از آنجایی که احکام حکومتی در راستای تأمین مصالح اجتماعی است از جایگاه ویژه ای برخوردار می‌باشد. مصلحت در جهت فعلیت ولایت فقیه نقش به سزایی داشته و ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. اختیارات گسترده‌ای که به حاکم شرع داده شده باعث سهولت انطباق اسلام با نیازمندی‌های مستحده شده است. اداره امور جامعه نیازمند تصمیماتی است که محدود به احکام شرعی فرعی نمی‌باشد و حاکم فرامین و احکامی را صادر می‌کند که متفاوت با احکام اولیه بوده که مصلحت و مفسده آن را ولی فقیه و حاکم جامعه تشخیص می‌دهد هدف این پژوهش بیان جایگاه مصلحت در نظریه ولایت فقیه است. این اثر در پی آن است تا با تحلیل نقش مصلحت در نظریه ولایت فقیه به این مهم دست یابد که مبنا و پایه‌ی اصلی احکام صادره از ولی فقیه و ابزارهای دستیابی به مصالح اجتماعی را بررسی نماید.

**واژگان کلیدی:** ولی فقیه، مصلحت، حکم حکومتی، مصالح اجتماعی، احکام شرعی.

### مقدمه

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. [Khamenehleila@yahoo.com](mailto:Khamenehleila@yahoo.com)  
<sup>۲</sup> دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول): [yaghouti2010@yahoo.com](mailto:yaghouti2010@yahoo.com)  
<sup>۳</sup> دانشیار دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران. [da.naghibi@yahoo.com](mailto:da.naghibi@yahoo.com)

حاکم جامعه اسلامی برای ایجاد و برقراری نظم، براساس مصلحت جامعه و نظام اقدام به وضع قوانین و دستورهایی می‌کند که با احکام اولیه متفاوت است این اقدامات حاکم به جهت حل و فصل مشکلات و معضلات جدید نو پیدا در جامعه است. در واقع هر آنچه که به نفع و صلاح جامعه و در حقیقت مربوط به مصلحت عمومی باشد اولی و مقدم می‌باشد. ولی فقیه از جمله مباحث مهم فقه سیاسی است. همه فقها قائل به ولایت فقیه هستند. مبنای فکری و نظری جمهوری اسلامی، نظریه امام خمینی (ره) در مورد ولایت یعنی ولایت مطلقه می‌باشد و ساختار حقوقی و اجرایی آن، قانون اساسی است، بنابراین در این تحقیق هر جا از ولایت فقیه سخن گفتیم منظورمان ولایت مطلقه فقیه است که بالاترین جایگاه برای ولی فقیه می‌باشد. امامت و تدوam رهبری از طریق اجتهاد مستمر از پایه‌های اعتقادی نظام جمهوری اسلامی است که در اصل پنجم قانون اساسی متجلی است. ولی فقیه برای اداره جامعه و حل مسائل مستحدثه نمی‌تواند فقط به احکام اولیه تکیه کند از اینرو ناگزیر است در کنار این احکام از احکام ثانویه و احکام حکومتی و همچنین مصلحت کمک بگیرد، حاکم اسلامی نمی‌تواند بدون تعیین قلمرو اختیارات و هدف مشخص و ملاکات معین و مشخص در قوانین دخالت کند و یا اقدام به صدور حکمی نماید. ولایت فقیه از اصلی‌ترین نهادهای جمهوری اسلامی است و یک امر نمادین و تشریفاتی نیست و مهم‌ترین نقش آن مراقبت از نظام و حفظ نظام و حرکت آن به سمت هدفهایش می‌باشد لذا مقاله پیش رو، به بررسی جایگاه مصالح اجتماعی در نظریه ولایت فقیه و ابزارهای تأمین مصالح اجتماعی و عمومی پرداخته است.

## ۱- نظریه ولایت فقیه

تاریخ آغاز نظریه ولایت فقیه را باید زمان پیامبر (ص) دانست. به طور کلی مسلمان‌ها از صدر اسلام با دو مسئله اساسی روبرو بوده‌اند: یکی حضور نداشتن پیامبر (ص) در بسیاری از شهرها و دیگری نیاز مبرم به احکام و دستورهای سیاسی و فردی؛ بنابراین به افرادی نیاز داشته‌اند که دستورها را برای آنها تبیین کنند. در واقع نیاز به فقهای بنام در دوران امامان معصوم نیز احساس می‌شده است. مراد از ولایت فقیه، حکومت و زمامداری امور جامعه می‌باشد که یکی از مبانی نظام سیاسی اسلام ولایت فقیه می‌باشد ولی فقیه در راس امور جامعه اسلامی قرار دارد بنابراین باید این شخص یک اسلام شناس باشد تا بتواند امور جامعه اسلامی را با توجه مصالح عمومی اداره نماید چنانچه معصوم حضور نداشت فقیه جامع الشرایط این مسئولیت را به عهده خواهد داشت. قید «مطلقه» که توسط حضرت امام خمینی در تعبیر ولایت مطلقه فقیه به کار برده شده است مربوط به اختیارات ولی فقیه در اداره کشور بوده به این نحو که فقیه از همه اختیارات یک حاکم مبسوط

الید، برخوردار است. (عمو شاهی، ۱۳۷۹، ۴۵) تأسیس اصل قانونی ولایت مطلقه فقیه را می‌توان از نامه‌ای که خطاب به مقام معظم رهبری در سال ۱۳۶۶ شمسی نوشته شده متوجه شد:

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای خامنه‌ای، رئیس محترم جمهوری اسلامی - دامت افاضاته مرقوم شریف جنابعالی واصل و موجب خرسندی گردید. اینجانب که از سال‌های قبل از انقلاب با جنابعالی ارتباط نزدیک داشته‌ام و همان ارتباط بحمدالله تعالی تاکنون باقی است، جنابعالی را یکی از بازوهای توانای جمهوری اسلامی می‌دانم و شما را چون برادری که آشنا به مسائل فقهی و متعهد به آن هستید و از مبانی فقهی مربوط به ولایت مطلقه فقیه جداً جانبداری می‌کنید. .... اگر اختیارات حکومت در چارچوب احکام فرعی الهیه است، باید غرض حکومت الهیه و ولایت مطلقه مفوضه به نبی اسلام یک پدیده بی‌معنا و بی‌محتوا باشد. اشاره می‌کنیم به پیامدهای آن که هیچکس نمی‌تواند ملتزم به آنها باشد؛ مثلاً خیابان‌کشی‌ها مستلزم تصرف در محلی است یا حریم آن است در چارچوب احکام فرعی نیست، نظام وظیفه و اعزام الزامی به جبهه‌ها و جلوگیری از ورود و خروج ارز و جلوگیری از ورود یا خروج هرنوع کالا و منع احتکار در غیر دو سه مورد و گمرکات و مالیات و جلوگیری از گرانفروشی، قیمت‌گذاری و جلوگیری از پخش مواد مخدر و..... باید عرض کنم حکومت که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله (ص) است، یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعی، حتی نماز و روزه و حج است. حاکم می‌تواند مسجد یا منزلی را در مسیر خیابان است، خراب کند و پول منزل را به صاحبش رد کند. حاکم می‌تواند مساجد را موقع لزوم تعطیل کند و مسجدی که ضرار باشد، در صورتی که رفع بدون تخریب نشود، خراب کند.....

و البته ما متوقع نیستیم که با قیامی که بر پایه اسلام عزیز نمودیم و «نه» به شرق و غرب و عمال آنان گفته‌ایم، آنان به ما و شماها و به ملت عزیز جان بر کف ما بارک الله بگویند. و خوشبختانه اخیراً در همین موضوع حدود ولایت فقیه نویسندگان و گویندگان متعهد و آگاه به مسایل اسلامی، مسئله را در مجالس و روزنامه‌ها تا آنجا که دیدم مورد بحث قرار داده که من از تمامی آنان تشکر می‌کنم و امید است ائمه محترم جمعه و بویژه امثال جنابعالی که در بیان مسائل دست توانا دارید، مسئله را تعقیب و در خطبه‌های نماز جمعه اذهان ناآگاهان را روشن و زبان دشمنان اسلام را قطع فرمایید. و جنابعالی و ملت بزرگوار خواهند دید که در اطراف همین نامه چه شیطنتها و تحلیل‌ها در رسانه‌های گروهی مخالفین اسلام و همدستان آنان خواهد صورت گرفت.

«صحیفه امام خمینی ره - ج ۲۰ - ص ۴۵۵-۴۵۶، ۴۵۲»

امام خمینی (ره) را می‌توان تنها فقیهی دانست که به نظریه ولایت فقیه جامه عینیت پوشیده است. ایشان در کتاب البیع، نظر و عمل حاکم را تابع مصلحت دانسته است. (امام خمینی ره، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۶۱۹) ایشان در خصوص حوزه اختیارات فقیه می‌فرمایند:

پس فقیه عادل، تمامی اختیارات مربوط به حکومت و سیاست که برای پیامبر(ص) و ائمه ثابت است، را دارا می‌باشد و در این زمینه، عقلاً "تفاوتی میان فقیه عادل و معصومین نیست؛ چرا که والی هر شخصی که باشد مجری احکام شریعت و اقامه کننده حدود الهی و گیرنده خراج و مالیات‌های دیگر است و به گونه‌ای که مصلحت مسلمانان باشد در آنها تصرف می‌کند... و همینطور در هنگامی که مصلحت اقتضاء کند مردم را به اوامری که والی در آنها صلاحیت دارد امر می‌کند و بر مردم نیز واجب است تا که والی در آنها صلاحیت دارد امر می‌کند و بر مردم نیز واجب است تا اطاعت کنند. (همان، ص ۶۲۶) در نظریه ولایت مطلقه فقیه، تمام دستگاه حکومتی، مانند هرم به یک نقطه منتهی می‌شود و تنها آن کسانی که جانشین امام معصوم علیه السلام هستند، در این مقام قرار خواهند گرفت. امتیاز اینان بر دیگران این است که در برخورداری از شرایط لازم برای اداره جامعه اسلامی، شبیه‌ترین مردم به امام معصوم علیه السلام هستند. در هر زمان، کسی که در علم و تقوا و تشخیص مصالح مردم، شبیه‌ترین افراد به امام معصوم علیه السلام باشد، در رأس هرم حکومت قرار می‌گیرد و تمام افراد جامعه، اعم از فقیه و غیرفقیه، منتخب مردم یا غیرمنتخب مردم، قاضی و غیرقاضی، و هر کس و هر مقامی، در امور حکومتی باید از او اطاعت کنند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۷، ص ۲۴۱-۲۴۲)

از منظر امام خمینی (ره) همه فقها در عصر غیبت، نصب عام از سوی امام معصوم به ولایت گمارده شده‌اند. ولایت فقیه نسبت مصلحت جامعه و امت اسلامی ولایت دارد. (امام خمینی ره، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۷۹)

تأسیس اصل ولایت مطلقه فقیه در قانون اساسی برگرفته از فتوا و نظرات امام خمینی (ره) می‌باشد، ولایت مطلقه در مقابل ولایت مقیده قرار دارد. ولایت مطلقه از منظر امام خمینی اعمال ولایت بر اساس مصلحت است که در زمره احکام ثانویه بلکه از جمله احکام اولیه می‌باشد رعایت مصلحت از عناوین ثانویه است و تشخیص آن بر عهده ولایت فقیه است.

## ۲- ولی فقیه در حوزه اجتماع

اداره امور جامعه نیازمند تصمیماتی است که محدود به احکام فرعی نیست و حاکم جامعه می‌بایست برای برقراری نظم عمومی، اقدام به وضع قوانین و یا صدور فرامینی نماید که با احکام اولیه متفاوت

است و مبتنی بر مصالح و مفاسدی است که خود تشخیص می‌دهد. هدف از تشکیل حکومت، اجرای احکام و دستورات شرع می‌باشد که در پرتو آن سلامت و مصالح جامعه و افراد رعایت شود بنابراین نمی‌توان زمام این حکومت را دست هر کسی سپرد. برای ولی فقیه اختیارات و مسئولیت‌هایی را قائل شده انداز جمله مناصب: ۱. منصب افتا و بیان احکام شرع؛ ۲. منصب حکومت و ولایت؛ ۳. منصب قضاوت. ولی دو منصب اخیر از منصب افتا سر چشمه می‌گیرد؛ زیرا منصب ولایت و حکومت در حقیقت منصب اجرای احکام شرع است، نه وضع احکام و منصب قضاوت هم رسیدگی به اختلافات و پایان دادن به آن می‌باشد که آن هم از طریق پیاده کردن احکام شرع است. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ ق، ص ۶۱) همین مناصب منجر به گسترش حوزه اختیارات ولی فقیه شده است که می‌تواند در مواقع ضروری و بنا بر مصلحت احکامی صادر کند که به رفع مشکلات جامعه منجر شده و مصلحت اجتماعی را رعایت کند. فقها برای حاکم شریعی را ذکر کرده اند و کسی که این شرایط را داشته باشد فقیه جامعه الشریع می‌باشد. در اصل پنجم قانون اساسی به این مهم پرداخته شده است بنابراین ضرورت تشکیل حکومت و ولایت فقیه امری مسلم بوده و نیاز به کنکاش نداشته آن چه به نظر محل بحث می‌رسد حدود و اختیارات ولی فقیه می‌باشد. آنچه را که فقها در مورد اختیارات ولی فقیه اجماع دارند عبارتند از: ولایت در فتوا و بیان احکام - ولایت در قضا و فصل خصومت - نظارت بر جریان امور مسلمین نسبت به اجرای قوانین خدا و جلوگیری از انحرافات - امور حسبیه، اموری که از نظر شارع مطلوب و از نظر زندگی اجتماعی ضروری و اجتناب‌ناپذیرند. (عمید زنجانی، ۱۳۶۸، ص ۱۶۸) ولی فقیه به عنوان رهبر جامعه اسلامی دارای صلاحیت حکومتی و از اختیارات گسترده در دایره حکومت بر خوردار است. امام خمینی (ره) حکومت را وسیله‌ای برای تحقق هدف‌های عالی و اجرای احکام الهی و مصلحت عمومی می‌داند: «عهده‌دار شدن حکومت فی حد ذاته شأن و مقامی نیست؛ بلکه وسیله انجام وظیفه اجرای احکام و برقراری نظام عادلانه اسلام است... بعضی از مردم چون دنیا چشمشان را پر کرده، خیال می‌کنند که ریاست و حکومت فی نفسه برای ائمه (ع) شأن و مقامی است، که اگر برای دیگری ثابت شد دنیا به هم می‌خورد... ائمه و فقهای عادل موظفند که از نظام و تشکیلات حکومتی برای اجرای احکام الهی و برقراری نظام عادلانه اسلام و خدمت به مردم استفاده کنند. صرف حکومت برای آنان جز رنج و زحمت چیزی ندارد؛ منتها چه بکنند؟ مأمورند انجام وظیفه کنند. موضوع «ولایت فقیه» مأموریت و انجام وظیفه است» (امام خمینی ره، ۱۳۷۸، ص ۵۴-۵۵)

اصل مهم در ولایت، حفظ مصالح اسلام و مسلمین و جامعه است و این مهم محدوده ولایت فقیه را مشخص می‌کند. ولی فقیه در راس حکومت است. کسی که متصدی و مسئول شرعی اداره

جامعه است، می‌تواند احکامی صادر کند و دستور به اجرای کاری دهد؛ البته باید براساس تشخیص مصالح و مفاسد و رعایت ضوابط، به صدور حکم شرعی اقدام کند. گاهی در بخش عبادات فقه امامیه، در آن قسمت که جنبه حکومتی پیدا می‌کند، مانند نماز جمعه و نماز عیدین و حج، حاکم می‌تواند دستورهایی بدهد، تمام احکام حکومتی باید طبق موازین و ضوابط شرع و در چارچوب قواعد کلی فقه اسلامی باشد و حاکم حق ندارد که از روی هوای نفس و مطابق میل خود به صدور حکم اقدام کند. در واقع، فقه باید قواعد و چارچوب کلی را در اختیار حاکم قرار دهد تا حاکم بتواند با تشخیص این قواعد و شناخت امور مهم و مهم، هنگام تزامم مصالح و مفاسد، حکم صحیح را صادر کند. توضیح آنکه تشخیص وظیفه، در هنگام تزامم دو حکم، گاهی در مسائل فردی مطرح است. در این صورت، فرد موظف است که با کنارهم چیدن قواعد کلی و مهم و مهم کردن، به وظیفه شرعی خود پی ببرد، اما گاهی تشخیص وظیفه، در هنگام تزامم دو حکم، به امور اجتماعی مربوط می‌شود. در این صورت، روشن است که تشخیص فردی هر یک از افراد جامعه نمی‌تواند ملاک قرار گیرد؛ چون نظام اجتماعی از هم خواهد پاشید؛ در اینجا است که ما به حکم حکومتی نیاز داریم و کسی که برای اظهار نظر در مسائل اجتماعی صلاحیت دارد، باید حکم کند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۷، ص ۲۳۰-۲۳۱) عده‌ای قلمرو و اختیارات ولی فقیه و حاکم جامعه اسلامی را به قانون اساسی منحصر دانسته‌اند: قانون اساسی به عنوان میثاق ملی مورد تعهد مردم و حاکم اسلامی است. رفتار حاکم و هیچ نهادی فراتر از قانون اساسی متصور نیست، همچنان که مردم موظف به رعایت قانون اساسی کشور هستند، حاکم نیز موظف است که در دائره قانون اساسی اعمال حاکمیت نماید عمل به قانون اساسی طبق قاعده لزوم وفای به عهد واجب است و در صورت تخلف هر یک از مردم و حاکم اسلامی، می‌توانند علیه یکدیگر به آن احتجاج کنند. «کدیور، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۸) بنابراین حدود اختیارات ولایت فقیه، وسیع و غیر محدود بوده، و بر اساس نیازهای جدید است، این اختیارات در هر برهه‌ای متغیر است و این عامل انعطاف و انطباق قوانین اسلام با نیازهای زمان است.

احکام شرع حاوی قوانین و مقررات متنوعی است که یک نظام کلی اجتماعی را می‌سازد. احکامی که راجع به حفظ نظام اسلام و دفاع از تمامیت ارضی و استقلال امت اسلام است بر لزوم تشکیل حکومت دلالت دارد. آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...» (انفال / ۶۰) دستور می‌دهد که تا حد امکان نیرومند و آماده باشید تا دشمنان نتوانند به شما ظلم کنند. این دستورات مربوط به زمان صلح و آرامش است. (امام خمینی ره، ۱۳۷۸، ص ۲۸-۲۹)

### ۳- مشروعیت ولایت فقیه

مشروعیت حکومت پیامبر (ص) و امامان (ع) از طریق نصب شارع بوده و مشروعیت آن الهی است، به اعتقاد امامیه با استناد به آیات و روایات و دلیل عقلی در عصر غیبت حکومت اسلامی از سوی ائمه (ع) به فقهای جامع شرایط واگذار شده است. اما اینکه این مشروعیت الهی صرف است یا مردمی و یا الهی- مردمی، میان علمای شیعه اختلاف است.

### ۳-۱ دلایل عقلی

انسان موجودی اجتماعی است نیاز دارد تا در کنار دیگر انسان‌ها زندگی کند و تشکیل جامعه بدهد، تشکیل یک جامعه و برقراری ارتباط انسان‌ها با یکدیگر، بدون وجود حاکمیتی که به تنظیم و مدیریت آن ارتباطات پردازد میسر نمی‌باشد. با تتبع در احکام اسلام می‌توان دریافت که دین اسلام، دین اجتماعی سیاسی است و احکام اسلام محدود به عبادات و احکام فردی نمی‌باشند، احکام اسلام حاوی سعادت دنیا و آخرت بوده و به تنظیم مصالح اجتماع و سعادت زندگی دنیوی نیز پرداخته است بنابراین اداره جامعه از مسائل معنوی و عبادی جدا نبوده است. پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام مرجع اصلی کارهای اجتماع بوده‌اند زیرا ایشان بهترین و کامل‌ترین شناخت را نسبت به قانون الهی داشته و بهترین کسانی بودند که می‌توانستند این قوانین را اجرا کنند در عصر غیبت نیز این قوانین و احکام اجتماعی اسلام تعطیل نشده و برای اجرای آنها نیاز به یک حکومت اسلامی می‌باشد، عقل حکم می‌کند که در رأس این حکومت فقیه عادل و قادر به اداره جامعه قرار بگیرد و جایگاه رهبری جامعه را به عهده بگیرد بنابراین انتخاب فقیه عادل از جانب ائمه برای کارهای عمومی و مهم بدون اشکال است. امام خمینی ره در کتاب ولایت فقیه می‌فرماید:

«اکنون که دوران غیبت امام (ع) پیش آمد، و بنا است احکام حکومتی اسلام باقی بماند و استمرار پیدا کند و هرج و مرج روا نیست، تشکیل حکومت لازم می‌آید. عقل هم به ما حکم می‌کند که تشکیلات لازم است...»

اگر خدا شخص معینی را برای حکومت در دوره غیبت تعیین نکرده است، لکن آن خاصیت حکومتی را که از صدر اسلام تا زمان حضرت صاحب (ع) موجود بود، برای بعد از غیبت هم قرار داده است. این خاصیت که عبارت از علم به قانون و عدالت باشد در عده بی شماری از فقهای عصر ما موجود است. اگر با هم اجتماع کنند، می‌توانند حکومت عدل عمومی در عالم تشکیل دهند.

اگر فرد لایقی که دارای این خصلت باشد به پا خاست و تشکیل حکومت داد، همان ولایت را که حضرت رسول اکرم (ص) در امر اداره جامعه داشت، دارا می‌باشد و بر همه مردم لازم است که از او اطاعت کنند.» (امام خمینی ره، ۱۳۷۸، ص ۳۹-۴۰)

آیه الله جوادی آملی در دلیل عقلی انتصابی بودن فقیه عادل به قاعده لطف استدلال کرده، می‌گوید: «ولایت فقیه به عنوان تداوم امامت امامان معصوم می‌باشد؛ یعنی هم آفرینش و ایجاد تکوینی فقیهان واجد شرایط در عصر غیبت به مقتضای حکمت الهی بر مبنای حکیمان و یا قاعده لطف متکلمان واجب است، منتها به نحو «وجوب عن الوجوب» نه «وجوب علی الله»؛ و هم دستور و نصب تشریحی آنان برابر همین تعبیرهای یاد شده لازم می‌باشد و ممکن نیست خللی در اصل آن تکوین و یا این تشریح راه یابد.» (جوادی آملی، ۱۳۶۸ش، ص ۱۶۳)

### ۳-۲- دلایل نقلی

#### ۳-۲-۱- احادیث فراوانی ولایت فقیه را اثبات می‌کند

- حدیثی که از امام صادق علیه السلام نقل شده و به مقبوله ی عمر بن حفصه معروف است «مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَنَظَرَ فِي خَلَالِنَا وَحَرَامِنَا وَعَرَفَ أَحْكَامَنَا فَلْيُرْضَوْا بِهِ حَكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْهُ مِنْهُ فَإِنَّمَا اسْتُخِفَّ بِحُكْمِ اللَّهِ وَعَلَيْنَا رَدُّ وَ الرَّأْيُ عَلَيْنَا الرَّأْيُ عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى حَدِّ الشُّرْكِ بِاللَّهِ - هر کس از شما حدیث ما را نقل می‌کند و در حلال و حرام ما نظر دارد و احکام ما را می‌شناسد به حکومت او رضایت دهید همانا من او را حاکم شما قرار دادم پس وقتی او به حکم ما حکم کرد اگر قبول نشود، سبک شمردن حکم خدا و رد بر ماست و رد ما رد خداست و آن در حد شرک به خداست.» (شیخ الطائفه، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۲۱۸، ۳۰۱) این روایت مراجعه به سلطان و قضاوت جور را نادرست و آن را به عنوان تحاکم بر طاغوت محکوم کرده است. دوم اینکه از مقابله بین حاکم ظالم و حاکم عادل دانسته می‌شود که امام عادل، عالم به احکام و دین‌شناس است

- مرحوم صدوق از اسحاق بن یعقوب نقل می‌کند:

قال سألت محمد بن عثمان العمری ان یوصل لی کتابا قد سألت فیه عن مسائل اشکلت علیّ فورد فی التوقیع، بخط مولانا صاحب الزمان علیه السلام: اما ما سألت ارشدک الله و ثبتک. .. الی أن قال: و اما الحوادث الواقعه فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجة الله علیهم.....



در رویدادهایی که اتفاق می‌افتد به راویان حدیث ما مراجعه کنید زیرا آن‌ها حجت من بر شما و من حجت خدا بر آنان هستیم». (شیخ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۷، ص ۱۴۰) تمام افرادی اسمشان در این حدیث آمده افراد موثقی بودند.

### ۳-۲-۲- آیات

در قرآن آیات متعددی وجود دارد که به لزوم تشکیل حکومت صالحان تأکید می‌کند:

یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا و رسول و صاحبان امر اطاعت کنید. (نساء/۵۹)

این آیه از آیات معروفی است که در منابع شیعه و سنی رسیده است که درباره ولایت و امامت امیرالمومنین سلام الله تعالی علیه نازل شده است. صاحب امر در عصر حاضر وجود امام عصرعجل الله تعالی فرجه الشریف است و در زمان غیبت فقهای جامع الشرایط که حکومت جامعه را در دست بگیرد در جایگاه ولایت قرار گرفته و اطاعت از آنها، اطاعت از خداوند و انجام دستورات الهی در قرآن می‌باشد.

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَ فَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ.

بگو: آیا از معبودهایی که شما شریک خدا قرار داده‌اید، کسی هست که به سوی حق هدایت کند؟ بگو: (فقط) خداوند به حق هدایت می‌کند. پس آیا کسی که به سوی حق هدایت می‌کند برای پیروی شایسته‌تر است، یا کسی که خود هدایت نمی‌شود مگر آنکه هدایتش کنند؟ شما را چه می‌شود؟ چگونه حکم می‌کنید؟! (یونس/۳۵)

این آیه به نبوت، امامت و امر هدایت بشر اشاره می‌کند.

هدایت دو نوع است: یکی نشان دادن راه، دیگری رساندن به مقصد و مقصود. نوع اول، کار انبیاست، ارشاد و هدایت، یکی از شئون خداوندی است. «قُلِ اللَّهُ يَهْدِي» (ملاک پرستش، توانایی برای هدایت کردن است - هدایت صحیح، به علم گسترده و مصون از خطا، قدرت، محبت و هدف نیازمند است. لذا جز خداوند و کسانی که او به عنوان راهنما تعیین کرده، دیگران نمی‌توانند هادی باشند. (قرائتی -۱۳۸۳- ص ۵۶۸، ۵۶۹)

### ۴- ولایت فقیه و نقش مصلحت

در نظریه ولایت فقیه، حاکمیت و ولی فقیه نمی‌تواند نسبت به سرنوشت و مصالح شهروندان بی‌تفاوت باشد بر اساس نظریه ولایت فقیه حاکم اسلامی موظف است در تصمیم‌گیری‌های خود مصلحت جامعه اسلامی را در نظر بگیرد و با توجه به آنها برای پیشبرد اهداف حکومت اسلامی تصمیم‌گیری نماید. (قانون اساسی، اصل ۱۱۰، ۱۱۲) کلیه احکام شرعی بر محور مصلحت و مفسده‌ای که در ذات آن نهفته است تشریح شده‌اند. حفظ مصلحت به معنای نادیده انگاشتن شریعت نیست مصلحت برای حفظ برتری ملاکات احکام شرعی است و با شریعت منافاتی ندارد. پیامبران و ائمه معصومین علیهم السلام، قطعاً "مصلح و مفسد عامه جامعه را تشخیص می‌دادند و احکام آنها مبتنی بر مصالح جامعه بوده و رعایت آن احکام بر همگان لازم و واجب بوده است. امامان نیز تدبیر امور اجتماعی و دینی و مدیریت سیاسی جامعه را به فقیهان عادل تفویض کرده‌اند. در دیدگاه ولایت مطلقه، فقیه از همه اختیارات پیامبر اسلام (ص) و امامان بر خوردار است چرا که هدف، اجرای احکام شریعت است. (امام خمینی ره، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۶۲۶) امام خمینی تفاوت اساسی معصوم (ع) و غیرمعصوم در بحث مصلحت را در این می‌داند که اگر بگوییم امام معصوم می‌تواند همسر کسی را طلاق دهد یا مالش را بگیرد و یا بفروشد، گرچه، مصلحتی در کار نباشد، درباره ی فقیه نمی‌توانیم چنین بگوییم. (امام خمینی ره، ۱۳۷۳، ص ۱۴۰، ۱۵۰) امام خمینی (ره) درباره توجه به مصلحت می‌فرماید:

«مهم شناخت درست حکومت و جامعه است که بر اساس آن نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه‌ریزی کند. اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نمی‌باشد، بلکه اگر یک فرد اعلم در علم معهود حوزه‌ها باشد، ولی نتواند.

مصلحت جامعه را تشخیص دهد و بطور کلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری باشد، این در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی‌تواند زمام جامعه را بدست بگیرد.» (صحیفه امام خمینی ره، ج ۲۱، ص ۴۷) ولایت فقیه ارتباط تنگاتنگی با مصلحت دارد. تصرفات پیامبر و امامان بر اساس مصلحت بوده ولی تصرفات ولی فقیه در قلمرو و گستره مصلحت می‌باشد. معضلات سیاسی و اجتماعی و... جامعه در غالب موارد قابل پیش بینی نبوده و نظام حقوقی جامعه ناگزیر است که این مسائل را به حاکم واگذار کرده و فقه نیز این اجازه را به حاکم می‌دهد که در مواردی که ضرورتی ایجاب کرد از موقعیت خود برای حل مشکل استفاده نماید و مصالح فردی را فدای مصلحت عمومی نماید. ولی فقیه منفعت مردم را معیار تصمیم‌گیری‌ها و احکام خویش قرار داده و بر مبنای مصلحت آنها عمل نماید. بر مبنای این دیدگاه، عمل و تصمیم ولی فقیه تابع مصالح مردم و محدود به الزامات مصلحت عمومی است؛ ولی فقیه جایی که بین

مصالح فردی و عمومی تزامنی وجود داشته باشد می‌بایست براساس حکم حکومتی و مصلحت، اعمال ولایت کرده و مصلحت عمومی را مقدم کند و این بر اساس اجتهادی است که ولی فقیه دارد. ولایت مطلقه فقیه حاکم بر تمام امور عمومی سیاسی و اجتماعی است و محدود به هیچ حکمی نیست و احکام حکومتی حاکم اسامی صرفاً مقید به مصلحت عامه و مردم است. در حکومت اسلامی، آنچه که باید همیشه رأس العین باشد تقدم مصالح اسلام و مسلمین است البته شرایط زمانی و مکانی باعث تغییر این احکام و مقررات می‌شوند مانند خرید و فروش اسلحه به دشمنان که امام خمینی (ره) می‌فرماید: «این مسأله از امور سیاسی و تابع مصالح روز است و امکان دارد حتی مصالح مسلمین در اعطای مجانی سلاح جنگی به طایفه‌ای از کفار باشد و آن در شرایطی است که دفع دشمن قوی از حوزه اسلام در گروی تسلیح طایفه خاصی از کفار باشد که مسلمین در امان هستند. (صحیفه امام خمینی، ج ۱، ص ۲۶۶) همچنین اسلام حق اجرای حدود را به عهده حاکم قرار داده ایشان می‌توانند بنا بر تشخیص خویش و در صورت وجود مصلحت از اجرای مجازاتی جلوگیری کند و یا آن را موقتاً متوقف کند. (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ق، ج ۹، ص ۱۳۹) در اجرای حدود و یا عفو مجرمین فقیه می‌تواند با توجه به شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی و همچنین صلاحدید جامعه اجرای حدود را تبدیل به مجازات جایگزین نماید. یکی از فقها در این باره می‌گوید: ولی فقیه مجری احکام اسلام است و اصولاً مبنای مشروعیت و دلیلی که ولایت او را اثبات می‌کند، اجرای احکام شرع مقدس اسلام و تأمین مصالح جامعه اسلامی در پرتو اجرای این احکام است. بنابراین، بدیهی است که مبنای تصمیم‌ها، انتخاب‌ها، عزل و نصب‌ها و همه کارهای فقیه، اجرای احکام اسلام و تأمین مصالح جامعه اسلامی و رضایت خداوند متعال است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۷، ص ۲۴۰) مصلحت‌اندیشی ولی فقیه در طول مصلحتی است که در مرحله جعل و تشریح احکام است و ولی فقیه باید در صدور احکام مبنای وضوابط دینی و مصالح جامعه را رعایت کند. حاکم به مقتضای شرایط زمانی و مکانی، حفظ مصلحت جامعه و بر اساس احکام حکومتی در برخی مسائل دخالت می‌کند. حاکم جامعه اسلامی می‌تواند در موضوعات، بنا بر مصالح کلی مسلمانان یا بر طبق مصالح افراد حوزه حکومت خود عمل کند، این اختیار استبداد نیست بلکه در این امر مصلحت اسلام و مسلمین منظور شده است پس اندیشه حاکم جامعه اسلامی نیز، همچون عمل او تابع مصالح اسلام و مسلمان است. حاکم اسلامی برای اداره جامعه و حل و فصل مسائل و مشکلات مستحده باید دارای اختیاراتی باشد تا بتواند مصالح عمومی جامعه و هر آنچه که به نفع جامعه باشد را در اولویت قرار دهد. امام خمینی (ره) تصریح می‌کنند: بحث مصلحت ارتباط تنگاتنگ با بحث ولایت فقیه دارد و در واقع یکی از ابزارهای مهم ولایت محسوب می‌شود.

(امام خمینی ره، ۱۳۷۸، ص ۴) بنابراین ولایت ولی فقیه، ولایت بر مصالح است و تلاش برای تحقق مصلحت عمومی از دغدغه‌های حکومت اسلامی بوده و برای تحقق آن تلاش‌های بسیاری صورت گرفته است مانند پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل که به ضرورت رعایت مصلحت عمومی بوده است یعنی ولی فقیه می‌تواند با تقیید و یا تخصیص و یا تعطیلی موقت برخی از احکام شرعی فرعی، مصالح و روابط اجتماعی را تنظیم نمایند و نیازهای جامعه را با توجه به مقتضیات زمان و مکان تأمین نموده و مصلحت اجتماعی شهروندان را تأمین کند و حکم حکومتی صادر نماید که اطاعت از این حکم برهمگان واجب است.

## ۵- سازو کارهای تأمین مصلحت اجتماعی

همانطور که اشاره شد ولی فقیه باید مصالح اجتماعی و عمومی را در تمام شؤونات و احکام در نظر داشته باشد و بر مبنای آن و به جهت تأمین مصالح اجتماعی عمل نماید. قطعاً این مهم نیاز به ساز و کار و ابزاری برای تحقق خواهد داشت یکی از این ابزارها، حکم حکومتی است که توسط حاکم و ولی فقیه صادر می‌کند. حکم حکومتی عبارت است از فرمان‌ها، قوانین و مقررات کلی و دستور اجرای احکام و قوانین شرعی که از سوی رهبری مشروع در جامعه اسلامی، در حوزه مسائل اجتماعی، با توجه به حق رهبری و لحاظ مصلحت جامعه صادر می‌گردد. (صرامی، ۱۳۷۲، ش ۴، ص ۶۵) مصلحت، عنوان و جایگاه مستقلی داشته و تحت هیچ یک از عناوین اولیه و ثانویه قرار نمی‌گیرد بلکه در جایگاه احکام حکومتی به منصفه ظهور و بروز می‌رسد و احکام حکومتی نیز به احکامی اطلاق می‌شود که ولی امر جامعه بر مبنای ضوابط پیش‌بینی شده عام و طبق مصالح عمومی برای حفظ سلامت جامعه، تنظیم امور آن و برقراری روابط صحیح بین سازمان‌های دولتی با مردم، سازمان‌ها با یکدیگر و افراد با یکدیگر در مورد مسائل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و سایر مسائل مقرر می‌دارد. (گرچی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۲۸۷) ملاک اصلی و اساسی حکم حکومتی مصلحت مسلمانان و جامعه اسلامی می‌باشد و حاکم به جهت حفظ جامعه از تغییرات باید مصلحت اندیشی داشته و در حکم حکومتی باید مصلحت را در اولویت و مینا قرار دهد. حکم حکومتی با ویژگی حکومتی بودن از مسائل و قضایای شخصی فراتر بوده و مربوط به همه مسلمانان است که مصلحت عام اجتماعی در آن نهفته است و برهمگان اطاعت از آن واجب است. امام خمینی (ره) نیز صدور حکم حکومتی را برمدار مصلحت مسلمانان و اجتماعی جامعه مسلمان می‌داند: حاکم جامعه اسلامی می‌تواند در موضوعات، بنا بر مصالح کلی مسلمانان یا بر طبق مصالح افراد حوزه حکومت خود عمل کند. این اختیار هرگز استبدادیه رأی نیست، بلکه در این امر، مصلحت

اسلام و مسلمین منظور شده است. پس اندیشه حاکم جامعه اسلامی نیز، همچون عمل او تابع مصالح اسلام و مسلمین است. (امام خمینی ره، ۱۳۷۸، ص ۶۶) از نظر امام خمینی (ره) معیار حکم حکومتی، مصلحت حفظ نظام جمهوری اسلامی و حفظ مصالح اسلام و مسلمین است و تا زمانی که مصلحت محقق شود حکم حکومتی نیز پایدار خواهد بود. بنابراین پایه مبنای حکم حکومتی مصلحت است و حاکم باید دارای قوه تشخیص مصلحت بوده و در مواردی که تخصص نداشته از متخصصان و کارشناسان فن استفاده نموده و همفکری بخواند. از این گفتار ضرورت مشورت و اهمیت نظریه‌های مشورتی مشخص می‌شود و دومین ابزار برای رسیدن به مصلحت مسلمانان را می‌توان ضرورت و اهمیت مشورت دانست. در جمهوری اسلامی ایران مکانیزم‌های متعددی به منظور تأمین مصالح اجتماعی و عمومی در نظر گرفته شده است. شورای نگهبان به عنوان یکی از نهادهای تشخیص مصلحت است که وظیفه مصلحت سنجی را دارد در قانون اساسی، در کنار شورای نگهبان، نهاد دیگری برای پیگیری این امر مهم با عنوان مجمع تشخیص مصلحت نظام در جهت تأمین مصلحت جامعه اسلامی تعیین شده است، بر اساس اصل یکصد و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی، رهبری نظام موظف است در تعیین سیاست‌های کلی نظام با «مجمع تشخیص مصلحت» که اعضای آن از کارشناسان دینی، متخصصان رشته‌های مختلف و یا از کارگزاران صاحب تجربه هستند، مشورت کند و از نظرات کارشناسان آنان در راستای تأمین هر چه بهتر منافع جامعه اسلامی بهره‌مند گردد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۴۲۷) در آموزه‌های دینی نیز تأکید بر مشورت شده است. امام علی (ع) مشورت و مشارکت در اداره امور حکومت را حق مردم میدانند و به حاکم توصیه می‌کند به این حق، احترام گذاشته و عمل نماید. ایشان در نامه ۵۰ نهج البلاغه می‌فرمایند:

«آگاه باشید! حق شما بر من آن است که جز اسرار جنگی، هیچ رازی را از شما پنهان ندارم و کاری را جز حکم شرع و بدون مشورت با شما انجام ندهم و در پرداخت حق شما کوتاهی نکرده و در وقت تعیین شده آن بپردازم»

از آنجایی که ولی فقیه نمی‌تواند خود به تنهایی همه مصالح کلی و یا جزئی را تشخیص دهد، باید برای تشخیص مصالح با نهادها و شوراهای متخصص هر فن و رشته‌ای مشاوره داشته باشد و این امر را به گروه‌ها و اشخاصی که دارای تخصص در هر زمینه‌ای هستند واگذار نماید، تا مصلحت درست و حکم درست تر را بدست بیاورد.

از دیگر ابزارهای تأمین مصالح اجتماعی در جامعه اسلامی امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد، حضرت زهرا (سلام الله علیه) در خطبه فدکیه فرمودند :

«جعل الله..... الامر بالمعروف مصلحه للعامة»

خداوند امر به معروف را به خاطر صلاح توده مردم قرار داده است. (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۵۶۸)

امر به معروف و نهی از منکر از احکام ضروری اسلام است و به حکم عقل، لازم و واجب می‌باشد. وبه تعبیر شهید مطهری امر به معروف و نهی از منکر باعث ایجاد تعهد و مسئولیت اجتماعی در افراد نسبت به سرنوشت اجتماع است. (مطهری، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۶۷) امر به معروف و نهی از منکر، منحصر به گروه و طبقه خاصی نیست، بلکه تمام اعضای جامعه اسلامی، از رهبری گرفته تا پایین ترین سطوح، در قبال هم مسئول هستند و مردم حق دارند مسئولین و حاکمان را از کاستی‌ها و نقص هام مطلع کنند تا در تصمیماتشان و تشخیص مصالح اجتماعی و عمومی مسلمانان دقت بیشتری داشته باشند. تأکید بر مصلحت اجتماعی و عمومی تنها در مرحله تئوری نظری نبوده بلکه دستیابی به مصالح اجتماعی مسلمین از دغدغه‌های اصلی و پایدار نظام می‌باشد.

## ۶- نتیجه گیری

تشکیل حکومت برای تأمین مصالح اجتماعی بوده و هدف غایی در نظام سیاسی تشخیص صحیح و اعمال صحیح مصالح اجتماعی می‌باشد. در نظام جمهوری اسلامی ایران رعایت و تشخیص مصالح اجتماعی از وظایف ولی فقیه و همه مقامات حکومتی بوده و طبق اصل ۱۱۲ قانون اساسی بر عهده مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد. ولی فقیه دارای اختیاراتی است که محدود نیست، ولی فقیه می‌تواند با وضع مقررات و صدور دستورهای امور جامعه را تنظیم کرده و احکام شرع را تخصیص یا تقیید و یا تعطیل نماید که این امور می‌تواند موقتی بوده و به جهت اداره جامعه و مقابله با مسائل مستحدثه جامعه می‌باشد. البته این امر بر اساس مصالح اسلام و مصالح اجتماعی مسلمانان می‌باشد. ولی فقیه در تشخیص مصلحت با مشورت و بررسی کارشناسان در حوزه‌های مختلف مانند حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و.... تصمیم نهایی را بر اساس مصلحت اتخاذ نماید.

## منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱- جوادی آملی، عبدالله، کتاب پیرامون وحی و رهبری، ناشر الزهراء، ۱۳۶۸ ش،

۲- .....ولایت فقیه، ولایت فقاقت و رهبری، نشر اسراء، ۱۳۸۹

- ۳- حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، جلد ۲۷، موسسه آل البيت عليهم السلام (احیاء تراث)، ۱۴۱۴ق
- ۴- خمینی، سید روح الله، کتاب البیع، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، ۱۴۲۱ق
- ۵- ..... مکاسب المحرمه، دفتر تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، قم، ۱۳۷۳
- ۶- ..... ولایت فقیه، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ناشر دیجیتالی، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۷۳
- ۷- ..... شئون و اختیارات ولی فقیه (ترجمه مباحث ولایت فقیه از کتاب بیع)، ترجمه جعفر کیوانی، ویرایش مرتضی شفیع شکیب، نشر کنگره، ۱۳۷۸
- ۸- ..... صحیفه امام خمینی ره، جلد ۲۰
- ۹- شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، من لا یحضره الفقیه، جلد ۳، ناشر دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق
- ۱۰- صرامی، سیف الله، «احکام حکومتی و مصلحت»، نشریه راهبرد، شماره ۲، پاییز ۱۳۷۲
- ۱۱- طوسی (شیخ الطائفه)، ابوجعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن، تهذیب الاحکام، محقق علی آخوندی، جلد ۶، ناشر دار کتاب العلمیه، مدرسه فقاہت، ۱۳۶۵
- ۱۲- عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی فقهی کلیات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جهاد دانشگاهی دانشگاه گیلان، ۱۳۶۸
- ۱۳- عموشاهی، محسن، مناسبات رهبری و مرجعیت در نظام ولایتی، موسسه پژوهشی - فرهنگی تمدن و توسعه اسلامی، تهران، ۱۳۷۹
- ۱۴- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن نورالدین علی بن احمد، الروضه البهیة فی شرح المعه الدمشقیه، جلد ۹، کتابفروشی دوری، ۱۴۱۰ق
- ۱۵- قرآتی، محسن، تفسیر نور، تهران مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم، کتاب الکترونیک، ۱۳۸۳ش
- ۱۶- کدیور، محسن، دغدغه‌های حکومت دینی، نشر نی، ۱۳۷۹
- ۱۷- گرجی، ابوالقاسم، مقالات حقوقی، جلد ۲، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹
- ۱۸- مطهری، مرتضی، سلسله یادداشت‌ها، جلد ۱، ناشر صدرا، ۱۳۹۱
- ۱۹- مکارم شیرازی، ناصر، تعزیر و گستره آن، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۱۴۲۵ ق
- ۲۰- مصباح یزدی، محمد تقی، حکیمانه ترین حکومت، کاوشی در نظریه ولایت فقیه، چاپ چهارم، ۱۳۹۷